

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عالیه راوی اکبر میاخیل

## چند قطعه شعر

قلم مدام رقصید بسا ز درد و غم  
نوشته ام به هزار زبان زجان و تنم  
سیاه هر خطر رفت به دود سوختنم  
به پیش چشم اوراق شدند گور و کفنم  
(۱۹۹۹ عالییه. راوی اکبر)

بسا قایق شکست ز خشم و آشوب این روزگار  
که از لقمان خیر و ز نوح پارو نکرد اختیار  
کسی کز در برفت و نبود آگاه زین راه و رسم  
کمر خم شد ز کار مگر بدوشی نیاورد بار  
(۱۹۹۶ عالییه. راوی اکبر)

چون دنیا درون آتش انگیخته دارم  
زهوا طمع سردی ی یک اندوخته دارم  
در نظم این دوران که شدم یک سرگردان  
داغی طبع دایم ز میان سوخته دارم  
(۱۹۹۶ عالییه. راوی اکبر)

(آدم) به ناحق از آتش خویش افروخته است  
(نافهم) ز عطشی بر سر پایش کوفته است  
بر پوست وی فلک داغ سزا اندوخته است  
چون سر کشیده انسان ز او آنهم سوخته است  
(۱۹۹۳ عالییه. راوی اکبر)

دو چشم دارم و دو گوش  
دل در میان به هزار هوش  
گو بگذرم ز کدام اول؟  
که افکنده شر به سر روپوش  
(۱۹۹۵ عالییه. راوی اکبر)

در خرابات اگر آن بد مست ، بی حال خوشست  
در چنان یک سرا رند از روی اقبال خوشست  
بود اگر روز دیگر بیدار طلعت "راوی"  
به آن یکروز ز مست خوشروی بی مال خوشست